

زبان مردم بختیاری

عباس قنبری عدیبوی

این زبان در کوهستان‌های بختیاری و مغرب استان فارس است و توسط قبیله‌های بختیاری، ممسنی، کهگیلویه‌ای، بویراحمدی و جز آن به کار می‌رود. این زبان جزو زبان‌های جنوب غربی ایران به حساب آمده است (کلباسی، ۱۳۷۴، ص ۲۲ و دایرةالمعارف نو، ج ۱، ص ۶۷۶).

باقری (۱۳۷۱) نیز زبان لری و بختیاری را از گویش‌های ایرانی دوره جدید برمی‌شمارد (نگر، ص ۹۹).

آنچه از آن به عنوان زبان یاد شده است در مفهوم گفتاری و گویشی مردمی است که در ناحیه بختیاری به آن تکلم می‌کنند و منظور ما قواعد دستوری و گرامری آن نیست، بلکه همان چیزی است که گویش‌وران این تبار از آن بهره می‌برند.

بنا به عقیده زالس من (۱۹۷۱): زبان و لهجه مادری از عوامل منسجم‌کننده و موجب تحکیم روابط چادرنشینان است (نگر، امان، ۱۳۶۷، ص ۸۰).

در بختیاری چند چیز اهمیت بسیاری دارد. در وهله اول جایگاه اجتماعی و وجود معنادار و شناخته شده (شناسنامه‌دار) در ایل، طایفه، تیره، تش، اولاد و... است (نگر: گارثویت، ۱۹۶۹، ص ۳۶). پس از آن زبان و گویش از اهمیت بالایی برخوردار است به گونه‌ای که اگر کسی نتواند به زبان و گویش مادری خود سخن بگوید، عیب و گناه شمرده می‌شود و در

بنابر محاسباتی که زبان‌شناسان در سال ۱۹۶۴ م. به عمل آوردند شماره زبان‌هایی را که تقریباً پنج میلیارد تن سکنه امروزی کره زمین به کار می‌برند میان چهار تا هفت هزار برآورد کرده‌اند (باقری، ۱۳۷۱، ص ۱۲). زبان ایرانی به عنوان زبان مادری ساکنان این سرزمین جزئی از خانواده زبان هند و اروپایی است. باقری (۱۳۷۱) می‌گوید:

زبان‌های ایرانی شاخه‌ای از خانواده زبانی هند و اروپایی است. هند و اروپایی به اقوامی اطلاق می‌شود که در روزگاری بس کهن در نواحی واقع در جنوب سرزمین روسیه امروزی در دشت‌ها و استپ‌های میان جنوب سیبری، دریاچه آرال، شمال بحر خزر و شمال قفقاز می‌زیستند (ص ۱۴).

پژوهشگران ایرانی گویش بختیاری را جزئی از گویش‌های جدید زبان فارسی می‌دانند. پناهی (۱۳۷۹) معتقد است لری، بختیاری و لکی و لهجه‌های فرعی آنها را به طور کلی تحت عنوان لری می‌توان قرار داد... گویش لری جزو گویش‌هایی است که در گروه زبان‌ها و لهجه‌های جنوبی ایران دسته‌بندی شده‌اند (ص ۱۴۹). گویش‌های لری شامل: بختیاری، بویراحمدی، فیلی، کهگیلویه‌ای، گیانی، ممسنی‌بی و... است و زیرگروه گویش‌های جنوب غربی از بخش زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نو غربی است (رضایی، ۱۳۸۰، ص ۵). مقرر اصلی

بررسی لهجه‌ها و گویش‌های مختلف مردم ایران در جای جای کهن ایران زمین از جنبه‌های مختلف اهمیت دارد و یکی از ثمره‌های این کار ثبت و ضبط واژه‌ها، اصطلاح‌ها، ترکیب‌ها، افعال، اضافه‌ها، پیش‌وندها، پس‌وندها، ساختار دستوری و به طور کلی صرفی و نحوی آنها برای جلوگیری از محوشان است. این بررسی‌ها، همراه با صیانت از مجموعه لهجه‌ها و گویش می‌تواند حافظ هویت مردمان هر ناحیه که در کل هویت ملت ایران رami سازد، بشود. نوشتار زیر به بررسی گویش مردم بختیاری و ارتباط آن با زبان فارسی براساس یافته‌های زبان‌شناسی می‌پردازد.

قباحت آن، این نوع تکلم را ترکی - مغولی می خوانند.)

(در کتاب «ایل بزرگ بختیاری» آمده است: زبان، نیروی بالقوه احساسات درونی است که در صورت اصوات به قدرت و استعداد بالفعل ارتباطی (به عنوان عنصر کیفی وحدت) و عامل اشارات ارگانیک بدل می شود، معجزه آسازترین کشف بشر است. (صالحی، ۱۳۶۹، ص ۷).

به اعتقاد من انسان تلاش می کند مشکل خود را برای برقراری ارتباط با سایرین با الفاظ و در قالب گویش و زبان حل کند و این نیاز اوست تا برای ایجاد وحدت، رابطه و یافتن هویت اجتماعی - فرهنگی در زیستگاه خود به تولید زبان و گویش کمک کند و به همین دلیل تنوع زبانی، گویشی و حتی گونه ای را شاهد هستیم. بختیاری ها به دلیل نوع زندگی و شرایط اقلیمی خود برای این رابطه از طبیعت گونه گون بهره گرفته اند.

ویلسون می گوید: لوریمر در مقاله تحقیقی خود نشان داد که گویش بختیاری در اصل ایرانی آمیخته با کلماتی از پهلوی قدیم و همچنین مخلوطی از واژه های عربی، ترکی و کردی است که ریشه قومی و عشیره ای دارد (ویلسون، ۱۹۲۶، ص ۲۶۵). متأسفانه درباره گویش و زبان لری یا بختیاری کارهای جدی در داخل و خارج از ایران انجام نشده است.

یکی از مسائل مهم و اساسی در توسعه و ترویج زبان علاقه مندی گویش وران آن و استفاده از این عنصر ارتباطی در مرآوده، تجارت، آموزش و زندگی فردی و اجتماعی است. اکنون شاهدیم که با تغییر ساختار خانوادگی و انجام ازدواج های گسترده خارج از قوم و خاندان خود زبان مورد کم لطفی و بی توجهی قرار می گیرد. هجوم تکنولوژی و فن آوری روز از جمله ماهواره و اینترنت نیز به این روند سرعت می بخشند به گونه ای که نسل امروز که محدوده کودکان زیر ۱۰ سال و حتی زیر ۲۰ سال را شامل می شود از گویش و زبان مادری خود اطلاع ندارد. این بحران تنها شامل گویش لری نیست بلکه در بین هموطنان ترک، کرد، لک و آذری نیز به چشم می خورد.

با این استدلال در آینده شاهد فراموشی و مرگ تدریجی گویش ها و گونه های زبانی خواهیم بود. تنها مرگ گویش دغدغه دانشوران و خبرگان جامعه نیست، بلکه در متن این پیوستگی فرهنگ، آداب و رسوم و اخلاق قومی نیز دچار تغییر یا تنزل خواهد شد. ارزش ها و ویژگی های ایللی چون

□ بختیاری ها، لحن و صوت زیر را برای مردم عیب می دانند و صوت مردانه بمر انوعی شکوه و هیبت ایللیاتی قلمداد می کنند.

□ ویلسون می گوید: لوریمر در مقاله تحقیقی خود نشان داد که گویش بختیاری در اصل ایرانی آمیخته با کلماتی از پهلوی قدیم و همچنین مخلوطی از واژه های عربی، ترکی و کردی است که ریشه قومی و عشیره ای دارد

شیرین زبانی، استفاده از فولکلور و گویش مادری بهره گیری از ضرب المثل ها و ترانه ها نیز دستخوش تغییر می گردند.)

(اگر چه زبان به عنوان قوی ترین عنصر ارتباطی اقوام، ملیت ها و فرهنگ ها را به هم نزدیک می کند با ادبیات تفاوت هایی دارد. در این مقاله به پیوند ادبیات و زبان و زبان و آموزش و همچنین زبان گفتاری و نوشتاری نپرداخته ایم، بلکه دریچه و روزنه ای به ضرورت پاس داشت زبان مادری گشوده ایم تا با اهمیت دادن به زبان و آموزش آن به فرزندان به تعمیق این باور کمک کنیم که زبان قوی ترین و اصلی ترین رمز هویت ملی ماست و انفکاک و جدایی از این هویت به منزله جدایی فرزند از خانواده، نژاد، فرهنگ و آیین خویش است.

همانگونه که گفته شد شرایط اقلیمی کوه های سر به فلک کشیده، چشمه های روان، رودخانه های توفنده، پرندگان نغمه سرا و دشت ها و جلگه های سرسبز در ایجاد لحن و موسیقی گفتاری بختیاری ها موثر است. این نکته را یادآور می شوم که گویش مردم نواحی ییلاق و قشلاق، هفت لنگ و چهارلنگ با هم متفاوت است و حتی گونه های زبانی دورکی باب، بابادی باب و دینارانی باب نیز با هم تفاوت هایی دارند.

ویلسون می گوید: گویش بختیاری بسیار زیبا و دلپذیر است و برای یک زبان شناس اصطلاحات فراوانی دارد که در زبان های دیگر یافت نمی شود (ویلسون، ۱۹۲۶، ۲۶۵).

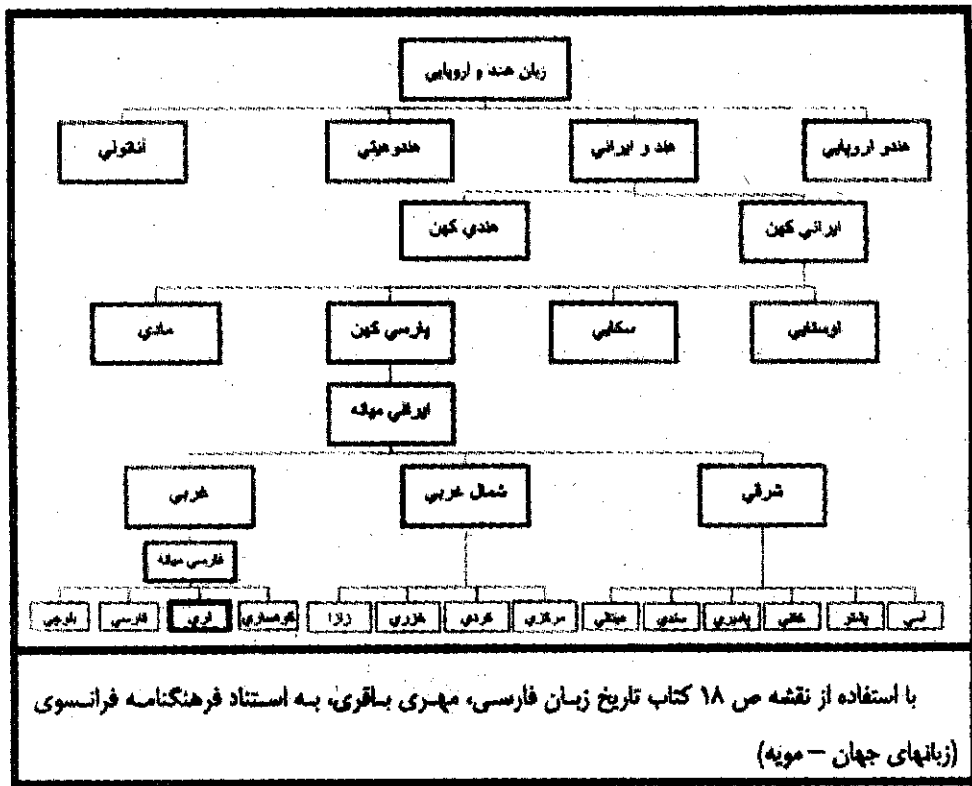
صالحی بر این باور است که: تاثیر طبیعت و حضور جغرافیا در زبان و حتی در گویش ها، لحن ها و لهجه های بومی - محلی مشهود است: به لهجه نرم سلیس و محتاط و زنانه و آیموستیک اصفهانی و یزدی که گوش می دهیم هم روحیات ظریف و هم نرمش و یک روالی «دشت» و آب و هوای نیمه کویری را حس می کنیم، اما به عکس آن زبان کردی و گویش بختیاری و لهجه کرمانشاهی نمادی روشن و چهره ای کیفی از کمیت زبان کوهستانی است، بلند، قاطع، پولادین، تیز، برنده، خشن و پرطنین و زاویه (صالحی، ۱۳۶۹، ص ۱۰).

گویش وران بختیاری با طبیعت چند پهلو، ستیغ های بلند و رودخانه های توفنده و خشن رابطه ای نزدیک برقرار می کنند به همین دلیل زن و مرد آن بلند، پرصلابت و کشیده سخن می گویند. همان گونه که طبیعت و جغرافیای آنها خود را نشان می دهد. این ویژگی ها را در فولکلور و فرهنگ عامه نیز به همین صورت می بینیم. جالب این است که یک بختیاری لحن و صوت باریک و زیر را برای مرد عیب می داند و صوت مردانه و بمر را نوعی شکوه و هیبت ایللیاتی قلمداد می کند. در این مجال به اصول زبان شناسی و روان شناسی زبان (Psycholinguistics) نمی پردازیم چون به مفهوم حرکتی گفتار گویش وران ایل و تبار بختیاری اشاره می کنیم.

راولینسون می گوید: تاکنون این گویش های رایج در منطقه کوهستانی زاگرس را بازمانده زبان پهلوی می دانستند، ولی به نظر من زبان لری (منظور گویش بختیاری است) از فارسی باستان مشتق شده که هم زمان با زبان پهلوی به طور جداگانه و مشخص صحبت می شده است. گویش بختیاری را نزدیک به زبان پهلوی ساسانی می دانند (صالحی، ۱۳۶۹، ص ۱۳). یارشاطر، لری، بختیاری و لکی را از لهجه های جنوبی می داند و معتقد است فارسی، لری، کردی و تاکستانی در تحول پیش تر رفته و نسبت به صورت قدیم خود بسیار ساده شده اند (نگر، مقدمه لغت نامه دهخدا، ص ۱۹). جنول زیر نشان دهنده جایگاه زبان و گویش لری و بختیاری می باشد:

به استناد مطالعاتی که نگارنده در این خصوص داشته است مهمترین خصایص زبان گفتاری گویشوران بختیاری از این قرار است:

- ۱- دستورپذیر و قاعده مند بودن.
- ۲- صراحت و صلابت گفتاری.



بند سیزن (band Sizen) که نوعی رشته بلند از مهره‌های رنگی و سکه‌های آویزان شده است بر دو سوی لچک و مینای خود می‌بندد تا این تناسب و زیبایی همراه با استواری قامت و اعتدال خدادادی او بهتر نمایان شود. (البته این لباس غیر از لباس کار و تلاش و کوچ است).

۲۱ فوریه برابر با دوم اسفندروز جهانی زبان‌های مادری است. اهتمام و اهمیت دادن به زبان و گویش مادری در بین قوم و طایفه‌ای مهم و اساسی است. کشور پهناور ایران از اقوام گوناگون لر، کرد، ترک، عرب، بلوچ، گیلک، ترکمن، لک و... تشکیل شده است. تنوع گویش علی‌رغم پیوستگی تاریخی و فرهنگی از ویژگی‌های برتر فرهنگی این کشور است. به اعتقاد من وظیفه آموزش و پرورش و آموزش عالی در حفظ، ترویج توسعه زبان‌های مادری در برنامه‌های آموزشی و پرورشی خود به حفظ هویت ملی و ارزش‌گذاری جوانان و نوجوانان به این سرمایه میهنی کمک خواهد کرد.

منابع

- ۱- امان، دبتر، ۱۳۶۷، بختیارها عشایر کوه‌نشین ایرانی در پویه تاریخ، ترجمه سید محسن محسنیان، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، مشهد
- ۲- باقوی، مهتری، ۱۳۷۴، تاریخ زبان فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران.
- ۳- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳، لغت نامه، دهخدا، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۴- رضایی باغبیدی، حسن، ۱۳۸۰، معرفی زبان‌های و گویش‌های ایران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، گروه گویش‌شناسی، تهران.
- ۵- سرواستن، هنری لایارد، استاک، ۱۳۷۱، مادام بیسوپ، لینچ، ویلسون، سیری در قلمرو بختیاری و عشایر بومی خوزستان، ترجمه مهرب امیری، فرهنگسرا تهران.
- ۶- شایان‌علی‌رحم، ۱۳۸۲، پارسی سرایان بام ایران (چهار محال و بختیاری)، جهان بین، فرخ شهر.
- ۷- صادقی، علی اشرف، ۱۳۷۹، نگاهی به گویش‌نامه‌های ایرانی، مرکز نشر دانشگاهی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران.
- ۸- صالحی، سید علی، ۱۳۶۹، ایل بزرگ بختیاری، انتشارات اطلس، تهران.
- ۹- قنبری عدیبوی، عباس، ۱۳۸۱، امثال و حکم بختیاری، ایل شهر کرد.
- ۱۰- کلیسیا، ایران، ۱۳۷۴، فارسی ایران و تاجیکستان، وزارت امور خارجه، تهران.
- ۱۱- گارثویت، پروفیسور، جن، راف، ۱۳۷۳، تاریخ سیاسی - اجتماعی بختیاری، ترجمه مهرب امیری، نشر سهند، تهران.

خاستگاه هنر و ادب این دیار دلیلی برای بهره‌مند آنها از این عنصر حیاتی است (نگر، شایان، ۱۳۷۸، پارسی سرایان بام ایران).

(لرها با اسب، تفنگ و موسیقی ادب خاص خود زندگی می‌کنند. گذر آنها از ایل راههایی سخت گذر، دره‌ها و رودهای سهمگین و فتح قله‌های مرتفع و رام کردن ستیغ بلند کوه‌ها سبب شده است که آنها را شاهزادگان کوهستان بنامیم. یک فرد ایل باید تفنگ و اسب داشته باشد پیوند عاطفی و دیرینه او با اسب و تفنگ یادآور مرزدارانی است که قهرمانانه جان خود را در تیر کردند تا مرزهای کشور را گسترده تر و خانه‌ها را فراخ تر نمایند و از حصار تنگ شهرها و روستاها رهایی یابند. تناسب و هارمونی در زندگی ظاهری بختیاری‌ها جالب است. مرد این ایل پیراهنی سفید شلواری سیاه (دبیت Dabit) برتن دارد و چوقا (Coqa) که بالاپوش مردانه اوست این لباس‌ها را زیباتر می‌سازد. شال سفیدی بر کمر و کلاه سیاهی بر سر دارد. گیوه‌های سفید خود را بر پای استوار کرده و محکم قدم برداشته و بلند سخن می‌گوید.

زن لر و بختیاری با پیراهنی رنگین و شاد، جلیقه (Kolije) به تن کرده شلوار مخمل خوش رنگی بر روی زیر شلوار می‌پوشد، لچک آراسته به پولک و منجوق با بلورهای شیشه‌ای ریز الماس نما بر سر می‌گذارد و با مینای خوش رنگ و نازک سر و سینه و بالاته خود را می‌پوشاند. موهای خویش را آراسته از دو سوی لچک بیرون می‌آورد و به قول حافظ:

ای که بر مه‌کشی از عنبر سارا چو گمان
مضطرب حال مگردان من سرگردان را

۳- کوتاه گویی و ایجاز.

۴- پرهیز از خشوگویی در گفتار.

۵- همواره بر اساس مفاهیم، تجارب و دانسته‌ها و دانستگی‌ها متولد می‌شود که در حقیقت به نوعی ثمره زبان است (صالحی، ۱۳۶۹، ص ۱۴).

۶- حذف برخی الفاظ، اصوات و جای‌گزینی حالت و اشاره‌های معنادار.

۷- زنده، منعطف و گیرا بودن و به نوعی قابل فهم بودن برای غیر گویش‌وران خود.

۸- پذیرش محدود از سایر زبان‌ها و گویش‌ها همچون ترکی، مغولی، عربی و لاتین.

۹- انعطاف پذیر بودن و حل و جذب با واژه‌های فنی و صنعتی (رود واژه‌های لاتین همراه با صنعت نفت).

۱۰- دارا بودن برخی آوای اختصاصی مثل: شیر seir به معنی شعر یا شیر درنده (شیر Sir: شیر خوراکی، سیر seir در مقابل گرسنه، دهلدرد dohdar این آوا چیزی بین «د» و «ز» است و تلفظ آن خاص بختیاری‌هاست، دکوو dokow: دکان که واکی مرکب ow با غلظت آوایی جانشین «ون» شده است. گویش و زبان بختیاری مورد (گویش‌هایی) توجه و علاقه پژوهشگران اروپایی بوده است به گونه‌ای که: سرگرد لاریمر (۱۸۶۷-۱۹۶۲) موادی را از لری (بختیاری)، کرمانی و گبری (لهجه زرتشتیان) جمع‌آوری کرده بود و چند متن درباره موضوعاتی چون تولد، عروسی، مرگ و تدفین، طلسم عشق، مهمان‌نوازی، طلب باران و... جمع‌آوری کرده بود (صادقی، ۱۳۷۹، ص ۶۰).

مردمان لر زبان و هم تباران بختیاری به داشتن حافظه قوی و قریحه سرشار ادبی مشهورند و بی‌گمان وجود بیش از هزار شاعر شناخته شده در